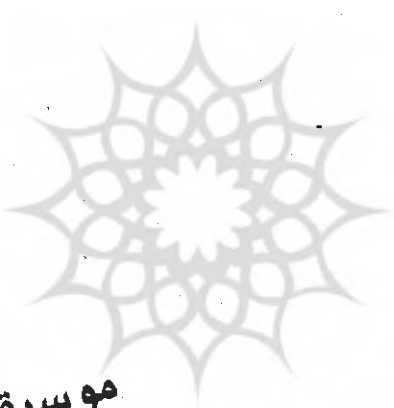


□ ۱۹۰۰! حالا دیگر کار به جایی رسیده که شصت سال زحمت بزرگترین هنرمند موسیقی مملکت را با هفت هشت متر پارچه ماهوت انگلیسی بخرند! مگر پارچه قحط است؟». شاید بتوان چنین تصور کرد که برخورد دو مظهر- سنت و تجدد- در اوکین رویدادهای مربوط به دخالت اقتصاد جدید در هنر معاصر ایران، با چنین جملاتی شروع شده است و البته عجیب نیست. موضوع به اولین دوره ضبط صفحات موسیقی ایرانی در عهد مظفرالدین شاه برمی گردد: حدود ۱۲۸۵ تا ۱۲۹۵ ش (۱۹۰۶-۱۹۱۶ م). «هامبارتسوم» خواجه ارمنی معروف در دربار ناصری، واسطه کمپانی معروف His Master's Voice در تهران شد تا با بزرگترین استادان موسیقی مذاکره کند تا از ساز و آواز آنها، صفحه گرامافون پر شود. این اوکین باری بود که معاملات اقتصادی غیرملی و غیربومی، در عرصه

هنرهای سنتی و بومی دخالت می کرد و صد البته این دخالت، در مجموع به نفع موسیقی ایران بود. با چنین واسطه گری، آخرین نمونه ها از اجراهای درخشان و ممتاز اساتید عهد ناصری و مظفری در صفحه ضبط شد و اسنادی به یادگار ماند^۲ که به هیچ طریق دیگر نمی شد جایگزینی برایشان پیدا کرد. «میرزا حسینقلی»^۳ (۱۲۹۴-۱۲۳۳/ ۱۹۱۵-۱۸۵۴) بزرگترین استاد تکنواز تار در آن عهد و چهره مشخص خاندان معروف «فراهانی» در هنر موسیقی آن روزگار، طرف معامله بود: ضبط موسیقی در تهران، ارسال صفحات مادر (Msater) به لندن، تکثیر، ارسال به تهران و فروش آنها. سوژه به اندازه کافی تازه و جالب و وسوسه انگیز بود و رویای حفظ هنر دست و پنجه «جناب میرزا» چنان مسحورکننده بود که ظاهراً از خاطر دقیق و حسابگر جناب میرزا فراموش شد تا مطالبه دستمزد کند.



موسیقی ردیف و دستگامی
موسیقی در ایران

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات
 پرتال جامع علوم انسانی

سابقه تاریخی پیوند اقتصادی و هنر در ایران

حافظان اصوات

و حافظان منافع • امیر حکمت تهرانی

تفلیس، برای او و دوستانش، پشتوانه مالی قابل اعتنایی فراهم آورد و این اولین باری بود که عرصه هنر منزوی و هنرمند درونگرای ایران سستی، با دنیای جدید وارد تعاطی شد (درویش خان، چند سال بعد مجدداً برای بهبود اوضاع مالی خود، قصد سفر و ضبط صفحه را کرد) و صفحه گرامافون، کالای لوکسی که ساز و آواز نایاب ممتازترین هنرمندان عصر را از فضای کاخهای اشرافی شاهزاده‌های قاجار به درون قهوه‌خانه‌ها و منازل مردم موسیقیدوست می‌برد، بهانه این تعاطی شد. هنرمند، با وجود «کار» در دستگاه اشراف، گرفتار عسرت بود و دستمزدها، نسبتاً مکفی و تأمین کننده، و چند کس قادر بودند تا آخر در مقابل این موج پایداری کنند؟

□ □ □

دوره دوم ضبط صفحات ایرانی، مربوط به سالهای

درویش خان^۱ (۱۳۰۵-۱۲۵۱ / 1872-1926)، تک‌نواز برجسته تار و سه تار و بهترین شاگرد میرزا حسینقلی که افکار آزادیخواهانه و تجددطلبانه داشت، موضوع را به استاد محبوبش گوشزد کرد. اما ذهنیت قدیمی جناب استاد، لزوماً با انتظارات تند و انقلابی درویش همراه نبود و قضیه در نهایت، به چند متر پارچه ماهوت انگلیسی ختم شد که به مصرف البسه خودش و فرزند محبوبش «حاج علی اکبرخان» برسد. درویش خان گفته بود: «شما با این کار، اعتبار موسیقیدان را پایین می‌آورید. وقتی شما که استاد مسلم هستید هنر خود را به قیمت هیچ در معرض فروش بگذارید، فردا شاگردان شما چه اعتباری خواهند داشت؟ او گویا جناب درویش، فکر این یکی را نکرده بود. در همان زمان، خود او نیز همراه موسیقیدانان زبده زمان، در کار ضبط صفحه شرکت کرد و عایدات دو سفر معروف لندن و



۱۳۰۵-۱۳۱۸ش/ 1939-1926) است. موسیقی ایرانی، تحولی از سر گذارنده و ضرباهنگ جدیدی یافته بود که با فاصله گیری از سنت قدما، برای ذوق توده، مطبوع تر می نمود. نسل معروف به پروردگان مکتب درویش خان به میدان آمدند و هر کدام بنا به وسع خود صفحاتی پر کردند.^۵ کیفیت دستگاههای گرامافون بهتر شد و کیفیت صوتی در صفحات ضبط شده نیز همچنین و «حافظ الاصوات»^۶ چنان شایع شد که تقریباً در هر خانواده غیر متعصب در تهران و اصفهان و شیراز و تبریز، نمونه ای از آن را می شد پیدا کرد. با تعداد صفحاتی از قدیم و تعداد بیشتری صفحات جدید که اکثرآ از صدای آواز قمرالملوک وزیری^۷ (۱۳۳۸-۱۲۸۴/ 1959-1905)، ملوک ضرابی کاشانی^۸ (متولد ۱۲۷۰ / 1891) و تار مرتضی نی داود^۹ (۱۳۶۹-۱۲۷۹/ 1990-1900) بود. آخوند ملاقربانعلی زنجانی^{۱۰} مجتهد معروف عصر، استفاده مشروع از این دستگاه را تأیید کرده بود و برای اذهان مشکل پسند متشرعین، کمتر اشکالی پیش می آمد. و البته همه نوع صفحه برای همه نوع افراد نیز یافت می شد. از تصنیفهای فکاهی «طیوری» تا صفحات اذان و مناجات ابوالحسن دماوندی^{۱۱} (استاد بزرگ آواز در عهده مظفری) و اذان معروف سیدجلال تاج اصفهانی^{۱۲} (۱۳۶۰-۱۲۸۰/ 1981-1901) و حتی صفحه مناجات توسط سیدحسین طاهرزاده^{۱۳} (۱۳۳۴-۱۲۶۱/ 1955-1882) استاد مسلم آواز و در اقلیم اصفهان: نظر به کم سوادی و بیسوادی اکثریت مردم و فقدان وسایل ارتباط جمعی از قبیل رادیو و تلویزیون، استقبال از این کالای محبوب چنان فزونی یافت که در نشریات آن عهد، هرازگاهی موضوع به گرامافون و صفحه ربط پیدا می کرد. دیگر برای پر کردن صفحه، نیازی به مسافرت طولانی و خسته کننده از طریق کشتی به اروپا نبود. کمپانی های پلیفون (Polyphone)، بدافون (Baidaphone) و ...، انحصارآ به خاطر صدای سحرآمیز قمرالملوک وزیری، دستگاههای ضبط صفحه را به تهران آوردند^{۱۴}، تا راه کسب هوای سرشار را هموارتر کنند. صفحه مادر، با کیفیت خوب و «توسط دستگاههای برق دار» در تهران پر می شد و نسخه های تکثیری، ارسالی از لندن و برلین از گمرکخانه های کشور می گذشت و به تهران می رسید. در این زمان که مصادف بود با سقوط قاجار و به تخت نشستن رضاشاه و رواج نشریات و نمایشنامه نویسی جدید و سرودهای ملی و رواج موسیقی و کنسرت های متنوع و ظهور هنرمندان نسل نو، رضاشاه سیاست خارجی ایران را بر موضع بی طرفی گذاشت و زمینه را برای فعالیت های اقتصادی و صنعتی شیخ کتکهای خارجی فراهم کرد. فعالیت های بیاری در این زمینه انجام گرفت و آلمانی های تازه وارد با صناعت پیشرفته و کیفیت چشمگیر، با شرکتهای انگلیسی سابقه دار به رقابت برخاستند.^{۱۵} فروش فوق العاده

صفحات گرامافون، موجب جذب هنرمندان به ضبط صفحه شد و گهگاه بحث های قابل تأملی را پیش می آورد؛ از جمله، پاسخ معروف قمرالملوک وزیری به روزنامه اطلاعات به تاریخ هفتم اردیبهشت ۱۳۰۷ (۲۷ آوریل ۱۹۲۸) است:^{۱۶} «خانم قمرالملوک وزیری، لایحه ای به طور اعلان، تحت عنوان «بدبختی» منتشر کرده. در جواب اعتراض یکی از جراید که نوشته است که حبس صوت قمرالملوک وزیری از طرف یک کمپانی خارجی با پرداخت سی تومان پول موجب شده که چندین هزار صفحه را یکی دو تومان بفروشند و پول ملت به این وسیله به مصرف جنس تجملی برسد. ایشان می نویسند: موقعی که کمپانی گرامافون نماینده به تهران فرستاد و من حاضر شدم مجاناً- و نه در مقابل سی تومان- یک سری از آوازه های ملی را با تحریرهای مخصوص در چند صفحه برای جاوید ماندن نواهای ایرانی حبس کنم و با نماینده کمپانی هم شرط کردم که صفحه های مرا فقط به قیمتی که تمام می شود در ایران به فروش برساند ولی به خرج کسی نرفت و این امر با اولیای دولت است نه من و امثال من. اما این که می گویند «تجملی» است، در یک مملکت بی مدرسه که افراد آن در هر هزار نفری یک نفر هم باسواد ندارد پس کتاب هم جزو لوازم تجملی است و چندان سود نباید داشته باشد. «قمر با نوعی هنرمند و حاکم صنعت دوره خود بود و نه تنها از درآمد سرشار صفحاتش بلکه از ارقام افسانه ای کنسرت هایش نیز استفاده ای به نفع خود نکرد و سراسر به مصرف فقرا و ایتم رساند و دست آخر، در فقر آزردهنده ای در گذشت اما سایر هنرمندان که مال اندیش تر بودند، از درآمد صفحات گرامافون، اندوخته یک عمر خود را فراهم کردند و به عنوان مثال، خانم ملوک ضرابی کاشانی (که حدود دوازده سال از قمر مسن تر و قبل از او هم صفحه پر کرده بود) قابل ذکر است.^{۱۷} قیمت تقریبی صفحات، بین هفت تا بیست قران (ریال) بود و البته این رقم مربوط به صفحات ایرانی است.^{۱۸} موسیقی های غیر ایرانی از هندی و ترکی و عربی تا موزیک کلاسیک اروپایی، خریداران بسیار اندک شماری داشتند. قیمت یک دستگاه گرامافون نیز مبلغی حدود پانصد ریال بود^{۱۹} که بنا به نوع و کیفیت و تزئینات، تا پانزده درصد افزونتر هم می توانست باشد و اگر در نظر بگیریم که میانگین حقوق مساهانه یک سروان پلیس در عهد رضاشاهی نیز چیزی کمتر از این مبلغ بود، می توانیم میزان نفوذ و محبوبیت دستگاه حبس الاصوات را میان مردم آن روز حدس بزنیم. محمدعلی امیرجاهد^{۲۰} (۱۳۵۴-۱۲۷۲/ 1973-1893)، شاعر ترانه سرا و مدیر سالنامه پارس، در سالنامه خود «ذیل وقایع ۱۳۰۸ش» می نویسند:^{۲۱} «تا چهار سال قبل، از گرامافون و صفحه اثری نبود و هر کس گرامافونی داشت به گوشه ای افکنده بود تا پس از چهار سال متارکه، اولین نماینده پلیفون در تهران ظاهر شد و حیات گرامافون را تجدید کرد در وهله اول،

ما که در ثروت سرشار، فرسنگها از آنان جلو ترند و در این گونه امور، فرسنگها عقب تر، شایسته تأمل است. در همان اوان، سورن آرکلیان (۱۳۴۱-۱۲۶۰/۱۹۶۲-۱۸۸۱) استاد ویولونسل و معلم بزرگ صنعتگران ویولون ساز در ایران که در عرصه های بین المللی هم مطرح بود، راجع به رواج موسیقی بر اثر پخش و فروش صفحات گرامافون، نوشت: ^{۲۵} «پر کردن صفحات گرامافون که از چندی قبل شروع شده است، عامل مهمی برای پیشرفت و ترقی موسیقی ایرانی می باشد. متأسفانه بعضی از جراید ایران در این مورد رویه مضوی اتخاذ کرده اند. البته بر علیه شیوع گرامافون در ایران و یا برای منع ورود گرامافون، شایسته نیست نگارشات درج بشود. چه این قبیل نگارشات بی شباهت بدان نخواهد بود که از منع ورود رادیو و ماشین های لازمه الکتریکی و لامپهای الکتریکی و غیره گفتگو کنیم. اگر وزارت معارف ایران، خود دستگاهی برای پر کردن صفحه وارد می کرد در این صورت ممکن بود ما در تهران صفحات ملوک خانم و قمر خانم و سایر ارباب موسیقی را در مقابل سروران تحصیل کنیم. رئیس سابق

نماینده از حسن استقبال عمومی استفاده کرد. سند محکمی در مقابل [فروش امتیاز و ضبط] تصنیفهای خود از نماینده گرفت که پس از وضع مخارج اولیه، قسمت عمده منافع خالص آن به مؤسسات خیریه بلدیة عاید شود. نماینده متأسفانه سرباز زد و فقط یکصد تومان به عنوان مؤسسات خیریه به اداره بلدیة فرستاد ولی با حساب دقیقی که از فروش حداقل صد هزار صفحه در دست است، حواله مذکور مسترد شد] و [نماینده کمپانی] دوهزار تومان تسلیم نمود که هفتاد و پنج تختخواب فرنگی خریده شده ... که به صحیه کلّ مریضخانه جدید تهران واگذار شد. «سالنامه مورخ ۱۷ شهریور ۱۳۰۸ (۸ سپتامبر ۱۹۲۹) از طرف عبدالحسین تیمورتاش (۱۳۱۱-۱۲۶۰/۱۹۳۲-۱۸۸۱)، وصول تخت خوابها و اعطای بیست عدد از آنها به مریضخانه بلدیة [بیمارستان شهرداری] اطلاع می دهد و گویا سند کمپانی «حکاک» [ضبط صفحه] را هم پس می فرستد. ^{۲۳} در حالی که سه روز پیش از این تاریخ، امیرجاهد به تجار ایرانی پیشنهاد کرده بود که «برای این که از شر کمپانی های خارجی راحت شوند، فقط ده هزار تومان سرمایه بگذارند و امیرجاهد تمهید

● فروش فوق العاده صفحات گرامافون، موجب جذب هنرمندان به کار ضبط صفحه شد و گهگاه بحثهای قابل تأمل را پیش می آورد.

مدرسه موسیقی تفلیس: س - آرکلیان. ^{۲۴}
در سالهای بعد از ۱۳۰۸-۱۳۰۷/۱۹۲۹-۱۹۲۸ که مقارن با اوج گیری قدرت رضاشاهی بود، واردات کالاها هنری از قبیل آلات موسیقی و صفحات گرامافون، به عنوان موردی جدی و قابل مطالعه در کنار سایر اقلام وارداتی پیش چشم کارشناسان اقتصادی دولت وقت قرار گرفت و مقرراتی برای آن تعیین شد. از سال ۱۳۱۱/۱۹۳۲ که مقارن با قتل رجل قدرتمند آن عصر، عبدالحسین تیمورتاش (وزیر دربار) بود، گهگاه مشخصات مربوط به این اقلام در روزنامه های معتبر کشور درج می شد. جدولی در سازمان اسناد ملی ایران با عناوین «صورت مفصل کنتنرژان واردات در سال اقتصادی ۱۳۱۰» و «صورت اجناسی در کنتنرژان واردات سال اقتصادی ۱۳۱۱ منظور نشده و ورود آنها ممنوع است» معرفی می شود. ^{۲۶} این جدول در روزنامه معتبر «شفق سرخ» به مدیریت «علی دشتی» (۱۳۶۴-۱۲۷۶/۱۹۸۵-۱۸۹۷) چاپ شده و در انتهای هر فهرست، عنوان «رئیس کل تجارت: یاسایی» دیده می شود. این فهرست ها را می توان نخستین اسناد به جا مانده برای پژوهش در مقوله «اقتصاد و تجارت در عرصه هنر معاصر» تلقی کرد.

می کند که صفحات لازم از قطعات لذت بخش تهیه کند و مجاناً و بلاعوض، در اختیار ایشان بگذارد و مقدماتی فراهم آورد که صفحه یکی ۴ رطل به تهران وارد شود و تجاری یکی هفت رطل بفروشد. ^{۲۳} ساسان سپنتا می نویسد: ^{۲۴} «به قراری که از اطلاعیه دو هنرمند سابق الذکر برمی آید، آنها قصد از ضبط صفحه گرامافون را حفظ و ماندگاری هنر و ترویج آثار موسیقی ذکر کرده اند». باید اضافه کرد که مقصود امیرجاهد هنرمند در عبارت «صفحات لازم از قطعات لذت بخش»، سروده های متین و پرمحتوای خود، همراه نوای استادانه تار مرتضی نی داود و امیرارسلانخان درگاهی (۱۳۵۲-۱۲۸۰/۱۹۷۳-۱۹۰۱) و علی اکبر شهنازی (۱۳۶۲-۱۲۷۶/۱۹۸۳-۱۸۹۷) و آواز قمرالملوک وزیری و ملوک ضرابی کاشانی و سایر هنرمندان بلندمقام عصر بوده، نه ترکیبات صوتی مهیج و بی هویت و مسمومی که بیست سال بعد از این تاریخ، رواج عام و قبول تام یافت و به قیمت ضایع کردن ذوق طبیعی و گوش موسیقایی توده مردم تمام شد تا چند کمپانی یهودی منافع سرشاری عاید خود کنند. مقایسه اخلاق هنری و انسانی هنرمندان والامقام و فروتن آن عهد با خلیقات رایج بسیاری از «هنرمندان» امروز

قزوینی الاصل، شاگرد مکتب آوازی سیدحسین طاهرزاده و شاگرد محضر مرتضی نی داود، وی از لحاظ مقام هنری و قدرت بیان و زیبایی اجرا، کم نظیر و از لحاظ اخلاق انسانی و کرامت نفس بین هنرمندان عهد خود بی نظیر بود. تاریخ فعالیت مفید او، سالهای ۱۳۲۵-۱۳۰۳/۱۹۴۶-۱۹۲۴) بود و از او صفحات فراوانی به یادگار مانده است.

۸. پرسابقه ترین بانوی خواننده در موسیقی معاصر ایران، کاشانی الاصل، شاگرد محضر ابوالحسن اقبال آذرقزوینی و مرتضی نی داود. از او صفحات بسیاری از آواز و تصنیف پر شده است. خاطرات او در زمستان سال ۱۳۷۳ در دفتر مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی، روی نوار ویدئو ضبط شده و موجود است.

۹. شاگرد برگزیده مکتب درویش خان در تارنوازی و از اساتید برجسته این رشته در هفتاد سال اخیر بود. وی موفق به دریافت سه مدال طلا و نقره و مس از دست استاد شد و در سال ۱۳۰۹ مدرسه ای به نام او بنیاد گذاشت. از نی داود صفحات فراوانی همراه ویولون برادرش موسی (۱۳۷۱-۱۲۸۶/۱۹۹۲-۱۹۰۷) و سایر هنرمندان آن عهد باقی مانده است. تربیت هنری قمرالملوک وزیری و ملوک ضرابی را به او نسبت می دهند. نی داود، مجموعه کاملی از ردیف نوازی خود را در دهه ۱۳۵۰ ضبط و تقدیم رادیو تهران کرد تا در اختیار ملت ایران قرار گیرد. نوای تار استادانه او دلنشین، آهنگهایش اصیل و زیبا و روش هنریش، مبتنی بر اخلاق پسندیده و حسن وطن پرستی بود.

۱۰. نگ به: شکوری، ابوالفضل. **خط سوم در انقلاب مشروطیت ایران**. زنجان، اداره کل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۲، ۵۷۲ص، ۱۵۸-۱۵۹، ۵۳-۵۴، ۴۲۹-۴۳۰.

۱۱. خواننده مذهبی و ردیف دان شایسته که بیش از صد سال عمر کرد و حدود اوایل دهه ۱۳۵۰ درگذشت. صفحه اذان و مناجات او معروف است و او را از خوانندگان صاحب سبک می دانند. برای اطلاع بیشتر، نگ به: مشحون، حسن. تاریخ موسیقی ایران (ویراسته امیربانوی کریمی). تهران، زوآر، ۱۳۷۳، ۸۱۴ص، مصور: ۶۵۸، ۶۶۳.

۱۲. خواننده نوامان مکتب اصفهان، تربیت شده محضر پدر خود شیخ اسماعیل تاج الواعظین اصفهانی و استاد بزرگ: سید عبدالرحیم اصفهانی. از تاج، صفحات فراوانی همراه ساز و ارکستر نوازندگان شایسته آن عهد باقی مانده است. برای اطلاع بیشتر، نگ به مشحون، ص ۶۰۱-۶۰۲، ۶۰۶، ۶۸۱، ۶۹۱ و: یادنامه تاج (به کوشش منوچهر قدیمی). اصفهان، ناشر:؟، ۱۳۶۱، ۶۹ص، مصور.

۱۳. استاد صاحب سبک در گستره مکتب آواز اصفهان و شاگرد غیرمستقیم سیدعبدالرحیم اصفهانی. طاهرزاده نیز مانند تاج اصفهانی و ادیب خوانساری و جناب دماوندی، در ابتدا کسوت معممین را داشت و از فضای مذهبی-هنری برخاسته بود. از طاهرزاده صفحات فراوانی با تار درویش خان و میرزا اسدالله خان، کمانچه باقرخان، ویولون حسین هنگ آفرین، پیانوی مشیر همایون شهردار و رضاقلی خان تجریشی، فلوت

۱. برای اطلاع بیشتر، نگ به: سینتا، ساسان. تاریخ تحول ضبط موسیقی در ایران. اصفهان، نیما، ۱۳۶۶، ۲۷۶ص، مصور: ۱۱۴-۱۸۵.

۲. نگ به ۱، و نیز بروشور **آلبوم نوارهای گنج سوخته**: آثاری از اساتید موسیقی عصر قاجار [تهران، شرکت احیای کتاب، ۱۳۷۳]. در این مجموعه، برای اولین بار، آثار موسیقیدانان هشتاد سال قبل تهران، دوباره ضبط و منتشر شد.

۳. برای اطلاع بیشتر، نگ به: خالقی، روح الله. سرگذشت موسیقی ایران (ج ۱). تهران، صفی علیشاه: ۱۳۳۳، ۵۱۷ص، مصور: ۱۳۰-۱۴۵، ۳۱۱-۳۱۳.

و نیز نگ به: میرعلی نقی، سیدعلیرضا. دومین سالنامه موسیقی ایران: ۱۳۷۴. تهران، مؤسسه فرهنگی نگین (چاپ و انتشار در آتلیه آرام، به کوشش جاوید رضایی و فهیمه ابراهیمی).

۴. نگ به ملاح، حسینعلی. شرح زندگانی استاد غلامحسین درویش. تهران، انتشارات هنر و فرهنگ ۱۳۶۹، ۶۸ص، مصور.

۵. نگ به خالقی، روح الله. سرگذشت موسیقی ایران (ج ۲)، تهران، صفی علیشاه، ۱۳۳۶، ۳۲۷ص، مصور: ۲۵۵-۲۵۶. او می نویسد: «موضوع ضبط صفحه که مجدداً از سال ۱۳۰۶ آغاز شد تا حدود ده سال ادامه داشت که هر چند سالی یکبار مقداری صفحه ضبط می شد و اشخاص مختلف نواختند و خواندند.

کمپانی هایی که صفحه برمی داشتند مختلف بودند از قبیل: هیزماستروزیس، بدافون، پلیفون، اودتون، پارلوفون و کلمبیا. از کسانی که در طول این مدت آثارشان در صفحه ضبط شده است می توان اشخاص زیر را نام برد: مشیر همایون شهردار، مرتضی محجوبی، حسین استوار، پرویز ایرانبور [نوازندگان پیانو]، علی اکبر شهنازی، عبدالحسین شهنازی، مرتضی نی داود، یحیی زرنجه، معروفی، ارسلان درگاهی [نوازندگان تار]، ابراهیم منصور، ابوالحسن صبا [نوازندگان ویولون]، حبیب سمعی [استاد تکنواز ستور]، اسماعیل مهرتاش، محمدعلی امیرجاهد [نوا سازان] و احمد عبادی [نوازنده سه تار / ارسلان درگاهی نیز چندین صفحه سه تار نواخته است]. خوانندگان بسیاری هم آهنگها را خوانده اند که مهمترین آنها از این قرارند: قمرالملوک، پروانه، ملوک ضرابی، روح انگیز، ادیب خوانساری، تاج اصفهانی، حسینعلی نکبسا، جناب دماوندی، اقبال آذر، بدیع زاده، رضاقلی ظلی و خواننده ای به نام اختصاری ج-ص [جمال صفوی]. [توضیح این که تمام مطالب داخل قلاب، از نویسنده مقاله حاضر است].

۶. اصطلاحی است که محمدحسن خان اعتمادالسلطنه برای توصیف نخستین دستگاههای ضبط صدا (فونوگراف Phonograph) به کار برده است. نگ به: اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان. الاثر والاثار. تهران، چاپ سنگی، ۱۳۰۶ ه. ق، ص ۱۰۸.

۷. بزرگترین بانوی خواننده ایران در هفتاد سال اخیر،

- اکبرخان و مستور میرزا اسدالله بر جامانده که مربوط به سالهای (۱۲۹۳-۱۲۸۵/۱۹۱۴-۱۹۰۶) است. ردیف ویژه او توسط دوست وفادارش نورعلی برومند (۱۳۵۵-۱۳۸۴/۱۹۷۶-۱۹۰۵) ضبط شد و در بایگانی صوتی مرکز حفظ و اشاعه موسیقی موجود است.
۱۴. نگ به دهگان، کاره. «بدری در کام خسوف» (مصاحبه منوچهر آتشی با مرتضی نی داود و عبدالله طالع همدانی درباره قمرالملوک). تماشا، س ۵، ش ۲۱۰ (۲۰ اردیبهشت ۱۳۵۴).
۱۵. نگ به سپنتا، ساسان. ص ۱۸۴-۲۲۴.
۱۶. نگ به مجموعه ده هزار روز تاریخ ایران و جهان (ضمیمه روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۵ ش/ با تشکر از آقایان مسعود تنکابنی فقیه نصیری و ابراهیم شاکری شمیرانی که لطف کردند و مجموعه را برای مطالعه در اختیارم گذاشتند).
۱۷. از مصاحبه خصوصی نویسنده مقاله هجراه با هنرمند عکاسی فقیه، استاد علمی خادم (۱۳۷۰-۱۲۹۶) با خانم ملوک ضرابی در تابستان ۱۳۶۹، در تهران.
۱۸. نگ به سپنتا، ص ۱۸۴-۲۲۴ و نیز میرعلی نقی، دومین سالنامه موسیقی ایران: ۱۳۷۴. ص ۱۵/۲، ۱۳۷۲. آگهی ورود صفحات گرامافون و قیمت های آنها (با تشکر از آقای پرویز اتاییکی برای اهدای سند).
۱۹. از مصاحبه خصوصی نویسنده مقاله با سرکار خانم آذرمدخت رکنی (متولد ۱۲۹۴/ فرزند فتح اله میرزا شعاع السلطنه و اوکن بانوی یانیتست ایرانی، از شاگردان برجسته محضر مرتضی محجوبی) در تابستان ۱۳۶۶.
۲۰. برای اطلاع بیشتر، نگ به امیرجاهد، محمدعلی. دیوان امیرجاهد. ج ۱: تهران، چاپخانه مجلس، ۱۳۳۳.
- ج ۲: تهران، چاپخانه بانک ملی، ۱۳۴۹.
- وی بعد از علی اکبر شیدا و ابوالقاسم عارف قزوینی، تنها کسی بود که کلام و موسیقی آثار خود را توأمان سرود و با اجراهای هنرمندان برجسته از آنها در کنسرت ها و صفحات گرامافون، شهرت و اعتبار یافت. امیرجاهد سالهای سال مدیر و مؤسس سالنامه پارس و عضو دوایر مهم دولتی بود. وی در سال ۱۳۳۶ با
- کمک رکن الدین مختاری (۱۳۵۰-۱۲۷۰/۱۹۷۱-۱۸۹۱) نواساز و ویولونیست برجسته، «هنرستان آزاد موسیقی ملی» را افتتاح کرد و بسیاری از هنرمندان بزرگ موسیقی امروز، تربیت یافتگان همان مرکز هستند. از امیرجاهد، آثار فراوانی به صورت نوشتاری و شنیداری باقی مانده است.
۲۱. نگ به سالنامه پارس. تهران، ۱۳۰۹، ص ۱۹۱ و نیز: پیام نوین، س ۷، ش ۵ (خرداد ۱۳۴۴) ص ۷۳.
۲۲. نگ به نامه امیرجاهد؛ و عبدالحسین تیمورتاش به شهرداری تهران که ضمیمه مقاله است.
- (با تشکر از آقای غلامرضا سلامی که زحمت استخراج و استنساخ اسناد را از سازمان اسناد ملی ایران تقبل فرمودند).
۲۳. نگ به ۲۱.
۲۴. نگ به سپنتا، ص ۲۰۰.
۲۵. نگ به: آراکلیان، سورن. «چند کلمه راجع به موسیقی ایرانی». ارمغان، س ۹، ش ۸-۹ (آبان-آذر ۱۳۰۷)، ص ۴۷۷.
۲۶. یاسایی. «صورت مفصل کنتنژان واردات در سال اقتصادی ۱۳۱۰». شفق سرخ، ش ۱۰، ش ۲۰۲۳ (دوشنبه اول فروردین ۱۳۱۱/۱۳ ذیحجه ۱۳۵۰/۲۱ مارس ۱۹۳۲) ص ۳-۶. [کتابخانه مجلس، ش/۳۲/۲]. و نیز: همان، س ۱۳، ش ۲۶۹۳. (با تشکر بسیار از محصلین هنرستان موسیقی حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی؛ محسن نوری و علی کریمی که بازنویسی اقلام را از روی نسخه کتابخانه مجلس انجام دادند).

■ اسناد ضمیمه:

۱. نامه امیرجاهد، در مورد ۷۵ تختخواب ارسالی، از سازمان اسناد ملی ایران.
۲. جوایزه تیمورتاش به بلدییه تهران در مورد تختخوابها، از سازمان اسناد ملی ایران.
۳. آگهی ورود صفحات گرامافون از سالنامه موسیقی ایران.
۴. صفحات گرامافون، محتوی آثار اساتید معروف موسیقی ایرانی: